

گزارش

روبارویی دموکرات‌ها با فاجعه انتخاباتی

پس از اعلام پیروزی حزب جمهوریخواه، حزب مخالف دولت، در کسب اکثریت کرسی‌های مجلس نمایندگان در انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا، باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا از «جان بئتر» رهبر جناح جمهوریخواه در این مجلس خواسته است برای یافتن «مینه‌های مشترک» با دولت تلاش کند. این واکنش سریع نشان می‌دهد اوباما از چند روز پیش شکست سنگین دموکرات‌ها در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره را پیش‌بینی کرده بود. به گزارش اسپنسا، روزنامه دلیلی تلگراف در گزارشی در مورد فعالیت‌های انتخاباتی در آمریکا نوشته است: به دنبایی که قرار بود برای باراک اوباما باشد، خوش آمدید. «سدریک ریچموند» کاندیدای دموکرات‌ها که در خارج از مقر کمپین خود در خیابان «سنت چارلز» در ایالت نیوآرلئان ایستاده بود، به یک رئیس‌جمهور بزرگ ادای احترام کرد و به بیان امتیازهای مربوط به اصلاحات دولت اوباما در منطقه او پرداخت. او گفت بسته محرک مالی اقتصادی اوباما، ۳۹ هزار شغل در نیوآرلئان ایجاد کرد و حدود ۱۸۹ هزار نفر در این شهر که بیمه خدمات درمانی نداشتند، تحت پوشش بیمه خدمات درمانی قرار گرفتند. ریچموند گفت: اوباما در این مورد درست عمل کرده و تغییراتی را اعمال کرده که مردم دو سال پیش به آن اعتقاد داشتند. فکر نمی‌کنیم که تغییرات آسان خواهد بود، اما او اصلاحاتی را آغاز کرد تا از مشکلاتی که جرج بوش ایجاد کرده بود، خلاص شویم. ریچموند در آستانه به دست آوردن یک کرسی دموکرات‌ها در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره قرار دارد.

اندکی دوتر-به نظر می‌رسد «جوزف کائو» جمهوریخواه مخالف ریچموند و اولین ویتنامی-آمریکایی که به عنوان نماینده کنگره آمریکا انتخاب شد، تنهاست. انتظار می‌رود او که به لایحه اصلاحات امور بهداشت عمومی باراک اوباما در ماه مارس رای مخالف داده بود، کرسی خود را از دست بدهد. در جاهای دیگر دموکرات‌ها در حال انکار ارتباطات‌شان با اوباما هستند و از رای‌شان به طرح اصلاحات امور بهداشت عمومی اوباما فرار می‌کنند و به آسانی وابستگی حزبی‌شان را از ادبیات انتخاباتی‌شان جدا می‌کنند. از اوباما به طور گسترده‌ای به عنوان یک عامل دردسر از سوی این دموکرات‌ها یاد شده است.

در روزهای منتهی به انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا، رئیس‌جمهور آمریکا از سوی کاندیداهای دموکرات‌ها در ایالتی همچون کنتاکی، ویرجینیای غربی و حتی کلرادو، جایی که رقابت‌ها نزدیک است، مورد استقبال قرار نگرفت. در حالی که بیل کلینتون در بیش از ۱۰۰ رویداد مهم در سراسر آمریکا شرکت کرد، اوباما فقط در ایالت‌هایی که روابط نزدیکی با دموکرات‌ها دارند، شرکت کرده است. اوباما قرار بود در آخرین سفرهای انتخاباتی‌اش به شیکاگو سفر کند. اوباما سال



۲۰۰۴ به عنوان یک سناتور با این اظهارنظر توجه همگان را به خود جلب کرده بود. او گفت، یک آمریکایی لیبرال یا یک آمریکایی محافظه‌کار وجود ندارد، بلکه ایالات متحده آمریکاست که وجود دارد. نباید میان سیهامپوستان، سفیدپوستان، آمریکای لاتینی‌ها یا آسیایی‌ها در آمریکا با تبعیض‌آمیز رفتار کرد. ایالات متحده آمریکاست که در این کشور وجود دارد. آنچه در رقابت‌های انتخاباتی اوباما در سال ۲۰۰۸ در کانون فعالیت‌هایش قرار داشت، وعده وی برای تغییر واشنگتن و همکاری با جمهوریخواهان در یک دوران جدید همکاری میان دو حزب آمریکا بود. اما پس از به قدرت رسیدن در بجنوحه موجی از تلقق و صحبت در مورد یک دوران جدید تاریخی، اوباما هرگز احساس نکرد که وی به همکاری با جمهوریخواهان نیاز دارد. ۱۸ ماه به طول انجامید تا وی سناتور «جیم مک کانل» رهبر اقلیت سنا را به کاخ سفید دعوت کرد. اوباما پس از به قدرت رسیدن فکر می‌کرد حضور متعالی‌اش برای اداره آمریکا کافی است. او که فکر می‌کرد یک رئیس‌جمهور بزرگ است، می‌خواست با آنچه خود به عنوان موضوعات بزرگ می‌دید، مقابله کند. دموکرات‌ها نیز کنترل مجلس نمایندگان و سنا را به دست داشتند، بنابراین از نظر اوباما توافق با جمهوریخواهان لزومی نداشت. مشکل اینجا بود که دیدگاه جهانی اوباما از نوع دیدگاه دموکرات‌های لیبرال متعارف بود، اما اوباما فراموش کرده بود که رئیس‌جمهور کشوری است که راست میانه است. اوباما باید بداند پیروزی‌اش در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۰۸ از سوی افرادی حاصل شد که از وی خواهان تغییر بودند نه از سوی کل آمریکا. این روزها مشاهده رای‌دهندگان آمریکایی که از رئیس‌جمهورشان ناامید و دل‌سرد شده‌اند، سخت نیست. «کریستوفر کرایل» یک شهروند دومینیکنی که در نیوآرلئسان زندگی می‌کند، گفت: به اوباما رای دادم و به او اعتقاد داشتم، اما احساس می‌کنم او بیش از حد روی خود حساب باز کرده است. چیزهایی آموخه رو به جلو هدایت شده‌اند. اوباما پروژه‌های محبوب خود را پیش از برطرف شدن نیازهای آمریکا قرار داد. او پیش از حل و فصل اقتصاد آمریکا، تمرکز خود را بر تصویب لایحه بهداشت عمومی آمریکا قرار داد.

«ری کارکین» مهندس الکترونیک بازنشسته و یک حامی «حزب چای» گفت بزرگ‌ترین دستاورد اوباما بیدار کردن آمریکا بود و اینکه یک اکثریت از محافظه‌کاران ساکت را مجبور به فعال شدن کرد. در حال حاضر هیچ نشانی از درخواست‌های سابق اوباما مبنی بر اتحاد ملی نیست. اکثر نظرسنجی‌ها حاکی از آن است که دموکرات‌ها بیش از ۵۰ کرسی و همچنین کنترل سنا را از دست خواهند داد.



جهان

پاکستان هنوز هم خانه امن القاعده است

بهشت جهادگران

ترجمه: محمدعلی فیروز آبادی

بسیاری از افغان‌ها عدم استقرار امنیت در افغانستان را نتیجه مداخلات پاکستان می‌دانند. روزنامه هشت صبح چاپ افغانستان در مقاله‌ای با عنوان «لانه‌های دهشت‌افکنان در کجاست؟» با لحنی گزنده و تند در اعتراض به این موضوع نوشته است: بر هر کسی که حداقل آگاهی از اوضاع جاری افغانستان داشته باشد، روشن و غیرقابل انکار است که عدم استقرار امنیت و صلح در افغانستان از دیرباز به این سسو محصل مداخلات نظامی‌گران پاکستان است که از آغاز تولد پاکستان به صورت مستمر و پیگیر و بر اثر حمایت برخی دیگر از قدرت‌های پاکستان می‌دانند. روزنامه هشت صبح چاپ افغانستان در مقاله‌ای با عنوان «لانه‌های دهشت‌افکنان در کجاست؟» با لحنی گزنده و تند در اعتراض به این موضوع نوشته است: بر هر کسی که حداقل آگاهی از اوضاع جاری افغانستان داشته باشد، روشن و غیرقابل انکار است که عدم استقرار امنیت و صلح در افغانستان از دیرباز به این سسو محصل مداخلات نظامی‌گران پاکستان است که از آغاز تولد پاکستان به صورت مستمر و پیگیر و بر اثر حمایت برخی دیگر از قدرت‌های

استعماری و متجاوز و جهانخواز پیگیری شده است و می‌شود. در این

میان بی‌کفایتی و عدم لیاقت حکمرانان افغانستان در گذشته که جز کسب و حفظ قدرت هدفی نداشتند، زمینه‌ساز ادامه و حتی توجیه سیاست‌های الحاق‌طلبانه پاکستان و حامیان عربی و غربی‌اش بود که افغانستان را به عنوان یک منطقه حائل در برابر نفوذ جهانخواران شوروی می‌دیدند. باید در برابر مداخلات پاکستان، عوامل، زمینه‌ها و امکاناتی که پاکستان را قادر به مداخله در افغانستان می‌سازد، شناخت و مجال فعالیت و تلاش را از آنها گرفت. باید به این سوال دقیقاً پاسخ

و رسیدن به جایزه ۵۰ میلیون دلاری برای سر وی به این منطقه آمده است.

منطقه کوهستان هم یکی از اقامتگاه‌های احتمالی رهبر تروریست‌ها به شمار می‌آید. این منطقه ظاهراً محل عقب‌نشینی و تجدید قوای بنیادگرایان نیز هست و

پیکارجویانی از مناطق دورافتاده پاکستان و افغانستان در این منطقه به سر می‌برند. مردم اینجا از یک سو مردمی بسیار مهربان و میهمان‌نواز هستند که به میهمانان خود محبت می‌کنند و از سوی دیگر بر خلاف مردم پیشاور به شدت از افکار محافظه‌کارانه حمایت می‌کنند. در منطقه کوهستان زنان حضور چندانی در بیرون از خانه ندارند و اگر با زنی روبه‌رو شوید به سرعت راه خود را عوض می‌کند و دور می‌شود.

رفیع‌الله در مورد این مساله می‌خندد و می‌گوید: «این فرهنگ همیشگی پشتون‌هاست.» ریش وی تا روی سینه‌اش می‌رسد، لباس سفید افغانی و کتی بلند به تن و عمامه‌ای تیره بر سر دارد. از نظر او تعجب از عدم حضور زنان در اماکن عمومی اصولاً امری بی‌معنی است و نباید این مناطق را با اسلام‌آباد و نیویورک مقایسه کرد. البته این در حالی است که بر خلاف نظر رفیع‌الله این دو شهر هم قابل مقایسه با یکدیگر نیستند.

منطقه کوهستان با آن کوه‌های سبز و پوشیده از درخت و بسا آن مزارع زیبا و دهقانان در حال کار، می‌توانست بهشتی توریستی باشد. از میان آن دره رودخانه‌ای کم‌عرض جریان دارد و کودکان در آن رودخانه در حال شنا هستند.

البته سیل ماه ژوئن که در نوع

خود یکی از فاجعه‌بارترین بلایای طبیعی از چند دهه پیش به شمار می‌آید این رودخانه را هم تبدیل به نمادی از خشم طبیعت کرد و با سرریز شدن آب بسیاری از خانه‌ها و اوتومبیل‌ها و درختان و ژئراتورهای برق دو طرف این مرز را به کام خود کشید. این منطقه در ایالت خیبر قرار دارد و از اسلام‌آباد با نزدیک به ۹ ساعت رانندگی از طریق جاده‌ای که بخشی از آن پر از دست‌انداز است می‌توان به آن رسید. در برخی از نقاط سیل به طور کامل دهکده‌ها را نابود کرده و گاه گودال‌هایی عمیق و خطرناک در مقابل خانه‌ها دیده می‌شود. با وجود آنکه هر لحظه امکان رانش زمین می‌رود اما هنوز هم بسیاری از مردم در این ویرانه‌ها زندگی می‌کنند. البته خانه‌های کوچک واقع در ارتفاعات از این خطرها دور هستند و در هر چند کیلومتر یک بار به این صحن می‌تورسید.

رفیع‌الله در این صبح سرد ماه اکتبر سوار یکی از تویوتاهای لوکس قدیمی می‌شود؛ از همان خودروهایی که طالبان به کمک آنها سراسر افغانستان را تسخیر کردند. او می‌خواهد به سوی مرز و از آنجا به افغانستان برود تا یک اوتومبیل از جلال‌آباد به کوهستان البته به صورت قاچاق بیآورد. آیا رفیع‌الله یک طالب است؟ او

بار دیگر لیگند می‌زند و این پرسش را با پرسشی دیگر

پاسخ می‌دهد: «این طالبان که می‌گوئید دقیقاً چیست؟ طالبان به کسانی می‌گویند که طالب آگاهی هستند، اگر منظور این باشد بله من هم یک طالب هستم.» سپس لحظه‌ای فکر می‌کند و ادامه می‌دهد: «در غیر این حالت طالبانی وجود ندارد، نه در افغانستان و نه در پاکستان.» در حقیقت کمتر کسی در این دو کشور خود را طالب می‌نامد. با این حال در شمال کوهستان خیلی زود می‌توان این را فهمید که چه کسی عضو طالبان است زیرا مردم شهرها و مناطق اینجا بی‌درنگ توضیح می‌دهند که چه کسی عضو طالبان است و در کجا اقامت دارد.

راننده خودرو ما هم مردی است با ریش و لباس و عمامه سیاه که اوتومبیل را از آن راه کوهستانی سنگلاخ به سوی بزرگراه کارآمورم می‌راند یعنی همان راه کوتاه که از میان دره سوات می‌گذرد و هنوز هم به علت تخریب راه پل توسط سیل بسته است. به همین خاطر از یک راه فرعی به دره سوات می‌رسیم و در این منطقه کامیون‌های و سپس از طریق پیشاور به سوی گذرگاه خیبر می‌رویم. رفیع‌الله آرام است و از پنجره به بیرون نگاه می‌کند. گاه با موبایلش بازی می‌کند و گاه چرت می‌زند. این افراد برای رسیدن به مقصد ۱۰ ساعت در راه هستند یعنی برای رسیدن به ترخام یا همان نقطه مرکزی گذرگاه مرزی میان پاکستان و افغانستان. در این منطقه کامیون‌های زیادی وجود دارد و روزانه بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ دستگاه کامیون به حمل کالاهای ناتو مشغول‌اند. کالاهای مورد نیاز ناتو از طریق کشتی به کراچی می‌آید و از آنجا سفری دراز به افغانستان آغاز می‌شود؛ سفری که بخش عمده آن از طریق تترخام انجام می‌گیرد. چندی پیش و پس از آنکه سربازان مرزی پاکستان به دلیل تیراندازی هلی‌کوپترهای آمریکایی کشته شدند، دولت اسلام‌آباد برای مدتی کوتاه حمل کالاهای ناتو را ممنوع اعلام کرد. در این میان بنیادگرایان به تعداد زیادی از این کاروان‌ها حمله برده و در مجموع یکصد کامیون را به آتش کشیدند اما پس از آنکه سفیر آمریکا در اسلام‌آباد از آن مساله به عنوان «حادثه‌ای وحشتناک» یاد

و مراتب رسمی عذرخواهی دولت آمریکا را اعلام کرد، دولت پاکستان نیز بار دیگر اجازه داد کامیون‌ها از خاک آن کشور عبور کنند. رفیع‌الله و راننده‌اش از کنار این کامیون‌ها می‌گذرند و این تصویری جنون‌آمیز است زیرا آن کامیون‌ها کالاهایی مورد نیاز ناتو را حمل می‌کنند و در آن اوتومبیل رفیع‌الله شورشی نشسته است. کسی که در افغانستان علیه همان سربازانی می‌جنگد که این کالاهای برای آنها حمل می‌شود. بر روی دروازه آهنی مرز تابلویی به زبان‌های انگلیسی و پشتون به چشم می‌خورد که روی آن نوشته است: «به امید حاکمیت صلح بر جهان.» این ایستگاه مرزی با کمک کشورهای خارجی از جمله مشارکت پلیس و یکی از شرکت‌های آلمانی بازسازی شد. راننده چندصد متر قبل از رسیدن



پاکستان هنوز هم خانه امن القاعده است

بهشت جهادگران

ترجمه: محمدعلی فیروز آبادی

داد که چه عواملی موجب شده است عده‌ای کمر به مزدوری و چاکری پاکستان ببندند و علیه کشور و مردمی که در دامان آن متولد شده‌اند، به پا خیزند؟ خیلی روشن است که همه طالبان، پاکستانی نیستند بلکه تعداد کثیری از کسانی که خود را افغانی می‌دانند در میان‌شان هست، هر چند رهبری آنان به دست پاکستانی‌هاست. اما چرا چنین شده است؟ در یک جمله: اگر آینده روشن و پر از امید در چشم‌انداز باشد، هیچ افغانی مزدور پاکستان نخواهد شد. و همه می‌دانند که اکنون و

پس از ۱۰ سال چنین چشم‌اندازی وجود ندارد.

به مرز می‌ایستد زیرا رفیع‌الله می‌خواهد بقیه راه را پیاده طی کند. در آن سوی مرز یکی از دوستانش انتظار وی را می‌کشد و قرار است با هم به جلال‌آباد بروند. اگر چه رفیع‌الله شهروند افغانستان است اما برای رفتن به پاکستان نیازی به روایید ندارد و اصولاً بدون گذرنامه سفر می‌کند. در حالی که نیشخند می‌زند، می‌گوید: «هیچ مشکلی نیست.» سپس انگشتان اشاره و شست را به هم می‌مالد و می‌گوید: «کافی است پشتون باشی و بتوانی سبیل مرزبانان را چرب کنی.» مرزبانان پاکستان بسته به درجه‌ای که دارند مابین شش تا هشت هزار روپیه معادل ۵۰ تا ۶۷ یورو در ماه حقوق می‌گیرند؛ مبلغی که برای زندگی در چنین منطقه‌ای هم کفایت نمی‌کند. رفیع‌الله می‌گوید: «من همیشه ۵۰۰ روپیه می‌دهم اما بعضی از راننده کامیون‌ها باید بیشتر از دوهزار روپیه بدهند. آنها اکثر اوقات در مورد گذرنامه هم نمی‌پرسند. اگر شبیه به پشتون‌ها باشی و بتوانی به زبان پشتون صحبت کنی نیازی به گذرنامه نیست.» کودکان از طرف کتف‌ها و چمدان‌ها با گاری‌های دستی به آن سوی مرز منتقل می‌شوند. در همان حال که کامیون‌ها در صفی طویل در انتظار عبور از مرز هستند، مسافران پیاده خیلی زود از مرز عبور می‌کنند و مرزبانان حتی نینگاهی هم به آنها نمی‌اندازند و از کسی گذرنامه نمی‌خواهند. در اینجا کار برای قاچاقچیان و پیکارجویان بی‌نهایت ساده است. با این حال به گفته رفیع‌الله اگر کسی اهل یا زاده پنجاب در شرق پاکستان باشد به شدت از سوی مرزبانان افغانی مورد تفتیش بدنی قرار می‌گیرد: «تظامیان و مأموران امنیتی اطلاعاتی پاکستان معمولاً هل پنجاب هستند و ما پشتون‌ها به آنها علاقه‌ای نداریم.» آن مرز تقریباً ۲۵۰۰ کیلومتری پاکستان که زمانی توسط «سرحدی مور تیمر دوراند» وزیر خارجه بریتانیا در مستعمره هندوستان، کشیده شد (و به خط دوراند معروف است) هم نتوانست میان پشتون‌ها جدایی و فاصله بیندازد. اکثریت یعنی نزدیک به ۳۰ میلیون پشتون در خاک پاکستان زندگی می‌کنند و تنها ۱۵ میلیون نفر از آنها بازمی‌گردند. رفیع‌الله چشمتی می‌زند و با ضرب‌های محکم به شانه مامور مرزی با وی احوال‌پرسی می‌کند سپس دست او را می‌فشارد و این کار تا زمانی که آن اسکناس از کف دستش جدا شود و به کف دست مامور بچسبد ادامه پیدا می‌کند. البته مامور هم به مبلغ پول توجهی نمی‌کند و رفیع‌الله بدون آنکه سرش را به عقب برگرداند در خاک افغانستان ناپدید می‌شود.

این پیکارجوی جنون از ما خداحافظی می‌کند. باروبنه او تنها یک کیسه پلاستیکی است که در آن لباس‌های تمیز برای دو روز آینده قرار دارد اما او بار دیگر به اینجا یعنی تورخام می‌آید و این بار البته با اوتومبیل خودش. و با همان اوتومبیل بار دیگر به این بهشت توریستی بازمی‌گردد. رفیع‌الله چشمتی می‌زند و با ضرب‌های محکم افق روشنی دل‌بندد که اکثریت فلسطینی‌ها و اعراب نیز حداقل کورسویی از آن را ببینند. چنانچه مذاکرات صلح در این مقطع تاریخی شکست خورده و مسیر رو به جلویی را نداشته باشد، داستان پایان‌ناپذیر شراکت تاریخی تدره‌های یهودی و بنیادگرایان اسلامی همچنان در تبسم‌کننده «قشه‌راه» جنگ‌ها و بحران‌های ادواری در خاک افغانستان ناپدید می‌شود.

منبع: اشپیگل آن‌لاین

یادداشت

پرونده‌ای برای تمام فصول

اردشیر زارعی‌قناتی

صلح‌خاورمیانه، پرونده همیشه بازی است که حداقل بعد از جنگ اعراب و اسرائیل در ۱۹۶۷ میلادی رسیدگی و تحقق آن از اولویت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای برای حل و فصل منازعات و بحران‌های موجود در منطقه بوده است. تنها طی سال‌های مابین ۱۹۴۷ تا ۱۹۹۲ تعداد ۶۴ قطعنامه و ده‌ها بیانیه از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد در محکومیت اقدامات اسرائیل علیه فلسطینیان و کشورهای همسایه صادر شده است که این حجم وسیع از قطعنامه‌های محکومیت در بسط‌ترین نهاد بین‌المللی نشان‌دهنده عمق فاجعه و سرکشی این کشور در مقابل جامعه جهانی است. چنانچه این موارد در کنار چند قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد که به عکس مجمع عمومی، لازم‌الاجرا تلقی می‌شود و هرگز از سوی تل‌آویو رعایت نشده است، جمع‌بندی شود آنگاه وسعت فاجعه بیش از پیش خود را نمایان می‌کند. تازه اینکه پرونده این عضو متخلف شامل ده‌ها قطعنامه وتوشده از سوی ایالات متحده در شورای امنیت است که به یقین در تاریخ معاصر جهان یک استثنا محسوب شده و شاید هرگز این رکورد منفی شکسته نشود. هر بار که بحث صلح‌خاورمیانه با طرحی در این خصوص از سوی جامعه جهانی یا میانجیگران بین‌المللی مطرح می‌شود در میانه راه با کارشکنی و بهانه‌جویی‌های تازه از سوی اسرائیل مسکوت می‌ماند.هم‌اکنون نیز دور جدید مذاکرات مستقیم صلح بین اسرائیل و فلسطین که از چند ماه پیش آغاز شده است با آغاز شهرک‌سازی‌ها در سرزمین‌های اشغالی و ناپدید گرفتن توصیه‌های میانجیگران بین‌المللی در آستانه شکست قرار گرفته است. تل‌آویو در هفته‌های اخیر به تمام درخواست‌ها جهت تعلیق شهرک‌سازی‌ها از سوی آمریکا به عنوان نزدیک‌ترین متحد خود، اتحادیه اروپایی، گروه چهار، کشورهای عربی و تشکیلات خودگردان فلسطین جواب منفی داده است. همچنین دولت راست‌گرای «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر دولت ائتلافی اسرائیل، توصیه‌های نهادهای بین‌المللی و حقوق بشری چون پاپ «بندیکت شانزدهم» رهبر واتیکان، صلح‌طلبان فلسطینی-اسرائیلی و «بان‌کی‌مون» دبیر کل سازمان ملل متحد در خصوص تمکین به شرایط مساعد جهت تداوم مذاکرات صلح را همچنان نادیده می‌گیرد. رهبران تل‌آویو در ابتدا به این بهانه که شروع مذاکرات صلح باید از نقطه صفر باشد، سعی در گرفتار کردن این مذاکرات در چنبره زمان داشتند، بعد بهانه تازه‌ای را ساز کردند بر این مبنا که همواره در طول مذاکرات صلح، شهرک سازی‌ها ادامه داشته است و این موضوع مخل مذاکرات صلح نیست و به تازگی هم با یک قانون من‌درآوردی ادای سسو کند و پذیرش هویت «دولت یهودی» را مطرح کرده‌اند. از طرف دیگر نتانیاهو به میانجیگران بین‌المللی و به خصوص رهبران آمریکا هشدار می‌دهد با توقف شهرک‌سازی‌ها با توجه به نفوذ راست‌گرایان تندرو در کابینه کنونی، این دولت سقوط خواهد کرد. این فضای متصلب مورد انتقاد همگانی بوده است چنانچه تا روز شنبه ۱۶ اکتبر هزاران یهودی و عرب صلح‌طلب در تل‌آویو در اعتراض به قانون سوگند وفاداری به دولت یهودی با شعارهای «نه به فاشیسم- آری به دموکراسی» و «یهودی‌ها و عرب‌ها نمی‌خواهند دشمن هم باشند- نه به نفرت» به خیابان آمدند. تمام این اقدامات که در چارچوب واقعیت و الزامات همگانی انجام می‌گیرد تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است به خصوص در دولت راست‌گرای فعلی به طور آشکار نادیده گرفته می‌شود تا اولتراراست اسرائیلی نشان دهد پیوندناشیش با بنیادگرایی اسلامی برای تعمیق بحران بسیار نزدیک‌تر از هر گونه تحرکی برای صلح است. ظاهراً فشار جامعه جهانی بر دولت یهودی با کارشکنی‌های تل‌آویو طی روزهای اخیر موقعیت آنان را در افکار عمومی ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی به شدت تضعیف کرده است. به همین دلیل بنیامین نتانیاهو در آخرین موضع‌گیری خود در خصوص مذاکرات صلح به فلسطینیان در مورد تعلیق دوماهه شهرک‌سازی‌ها، پیشنهاد پذیرش ساخت و ساز ۱۶۰۰ واحد مسکونی را در طول این مدت داده است که برای جناح لیبرال آمریکا درس‌ساز تلقی شود. بعد از فشار متحدان و تعیین تکلیف طرف فلسطینی با دور جذب مذاکرات صلح وارد مرحله تازه‌تری خواهد شد. تشکیلات خودگردان و شخص محمود عباس که به موقعیت آسیب‌پذیر اوباما و دموکرات‌ها در این انتخابات شفاف‌دولت «باراک اوباما» رئیس‌جمهوری آمریکا به واسطه تاثیر بزرگ لابی یهودی در رای دموکرات‌ها شده است، فشار متحدان و تعیین تکلیف طرف فلسطینی با دور جذب مذاکرات صلح وارد مرحله تازه‌تری خواهد شد. تشکیلات خودگردان و شخص محمود عباس که به موقعیت آسیب‌پذیر اوباما و دموکرات‌ها در این انتخابات به خوبی واقف بودند، سعی کرده‌اند دست به اقدامی زنند که برای جناح لیبرال آمریکا درس‌ساز تلقی شود. بعد از برگزاری این انتخابات و رصد نتایج نهایی آن، هر دو طرف فلسطینی و اسرائیلی با استراتژی و تاکتیک متفاوت و تا حدودی شفاف‌تر پا به عرصه این منازعه تاریخی خواهند گذاشت. نتانیاهو که منتظر نتایج این انتخابات نیستسته و امیدوار به شکست پزیدنت سیاه است در صورت وقوع این پیش‌بینی با نتوان‌های آمریکایی از طرف فلسطینی و اسرائیلی با موضوع کثونی، فروپاشی دولت ائتلافی و تمکین نسبی به مصالحه سیاسی نخواهد داشت. عباس اما شرایط متفاوتی دارد چراکه در هر دو صورت تنها می‌تواند به جلو نگاه کند و به جهت اولویت منافع واشنگتن در منطقه خاورمیانه و ارتباط مستقیم بحران‌های موجود در این محیط ژئوپولیتیک با صلح بین فلسطینی-اسرائیل، در فضای فکستی کنونی باید به افق روشنی دل‌بندد که اکثریت فلسطینی‌ها و اعراب نیز حداقل کورسویی از آن را ببینند. چنانچه مذاکرات صلح در این مقطع تاریخی شکست خورده و مسیر رو به جلویی را نداشته باشد، داستان پایان‌ناپذیر شراکت تاریخی تدره‌های یهودی و بنیادگرایان اسلامی همچنان در تبسم‌کننده «قشه‌راه» جنگ‌ها و بحران‌های ادواری در خاک افغانستان ناپدید می‌شود.

ارگانیکى منطقه‌ای خواهد بود.